

## کاربرد اسم تفضیل در نامه‌های نهج‌البلاغه و بازشناسی خوشنویسی نسخ موجود (مطالعه موردی: ده نامه)

### چکیده

یکی از اسم‌های مشتق پرکاربرد در زبان عربی اسم تفضیل می‌باشد و ساختار کاربرد آن اهمیت ویژه‌ای در معنایش دارد. برای فعلی که اسم تفضیل از آن مشتق می‌شود، علمای صرف شروطی بیان می‌کنند که هرچند کاربرد برخی اسم تفضیل‌های مغایر با شروط مذکور، اجماع و اتفاق نظر پژوهندگان علم صرف را برهم زده است. برای تحلیل کارکرد اسم تفضیل، علاوه بر مدنظر قراردادن این نکته که اسم تفضیل مورد بحث از اسم تفضیل-هایی است که خود از فعل مورد مفاضله بر وزن «أفعل» ساخته شده و یا اسلوب تفضیلی ترکیبی است که با به‌کارگیری یکی از الفاظ اشد، اکثر، أقل و .... به‌همراه مصدر فعل موردنظر در قالب تمییز آورده شده؛ باید به ساختار نحوی متفاوت هر کاربرد توجه داشت؛ نگاه ساختارگرایانه به کاربرد اسم تفضیل در هریک از وجوه فوق، یکی از مهم‌ترین راه‌ها برای کشف معنای موردنظر صاحب‌سخن است؛ که برای این منظور سه گام و استخراج اجزای ساختار کلام، برقرار ساختن ارتباط موجود بین اجزا و نشان دادن دلالتی که در کلیت ساختار اثر است، برداشته می‌شود. این پژوهش بر آن است که ضمن استخراج اجزای کلام حاوی اسم تفضیل در نامه‌های نهج‌البلاغه کاربرد اسم تفضیل در نامه‌های نهج‌البلاغه از نظر ساختار و معنا مورد تحلیل و بررسی قرار دهد و تأثیر این ساختار در کاربرد معنای حقیقی و غیرحقیقی در نامه‌های نهج‌البلاغه را بررسی نماید. در این پژوهش بازشناسی خوشنویسی نسخ موجود نهج‌البلاغه نیز انجام می‌شود.

### اهداف پژوهش:

۱. استخراج اجزای کلام حاوی اسم تفضیل در نامه‌های امام علی (ع).
۲. بازشناسی خوشنویسی نسخ موجود نهج‌البلاغه.

### سؤالات پژوهش:

۱. تحلیل ساختاری و معنایی افعال تفضیل در نامه‌های نهج‌البلاغه چگونه نمود پیدا می‌کند؟
۲. نسخ موجود نهج‌البلاغه دارای چه نوع خوشنویسی است؟

**کلیدواژه‌ها:** اسم تفضیل، ساختارشناسی، معنانشناسی، نامه‌ها، نهج‌البلاغه.

## مقدمه

بی‌شک مؤثرترین عامل در آفرینش فصاحت و بلاغت در کلام، گزینش و چینش واژه‌ها و عبارت‌ها و ترکیب‌های متناسب با غرض و معنای موردنظر است؛ به‌گونه‌ای که در بین دیگر سازه‌ها و ساختارهای زبان نتوان جایگزینی برتر برای آن‌ها یافت. این امر علاوه بر شیواسازی سخن، بیانگر توانایی‌های زبانی و ادبی صاحب‌کلام است و چه‌بسا ادبایی اندیشمند که در این حوزه دست به ابداع و نوآوری زده و با آفرینش واژه‌هایی جدید و با خلق ترکیب‌هایی نو، دامنه‌ی زبان را گسترش داده و بر غنای هرچه بیشتر آن افزوده و می‌افزایند. نهج‌البلاغه یکی از آثاری است که به زیور فصاحت و بلاغت آراسته است. محتویات این مجموعه در سه قسمت خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات دسته‌بندی شده است. کلام امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) دو خصوصیت ویژه دارد: اول، زیبایی و فصاحت و انسجام بی‌نظیر که آن را «فوق کلام مخلوق و دون کلام خالق» قرار داده و دوم، تأثیر و نفوذ شگفت‌انگیز آن به‌طوری که نه‌تنها در آن زمان که پس از چهارده‌قرن هنوز هم هر شنونده‌ای را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. نهج‌البلاغه کتابی نیست که تنها از حیث لفظ، اوج قلّه فصاحت را فتح کرده باشد، بلکه محتوا و مضمون این کتاب شریف نیز تالی و دنباله‌رو قرآن است. آنچه که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد اسم تفضیل است که جزء یکی از انواع مشتقات می‌باشد که برای بیان اشتراک دو چیز در یک صفت همراه با زیادی این صفت در یکی از این دو می‌باشد. همچنین نوع خطوط کاربردی در نسخ موجود نهج‌البلاغه نیز در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

رضی‌الدین استرآبادی در تعریف این اسم مشتق می‌گوید: «هو المبنی علی أفعال لزیاده صاحبه علی غیره فی الفعل، آی فی الفعل المشتق منه» (الاسترآبادی، ۱۳۹۸: ۴۴۷/۳). این اسم در نامه‌های نهج‌البلاغه در موارد زیادی در اصل و باب خودش یعنی برتری بین دو چیز یا بیشتر به‌کار رفته است؛ اما موارد دیگری نیز وجود دارد که در غیر معنای خودش به‌کاررفته و برای تحلیل کارکرد آن، علاوه بر مدنظر قراردادن این نکته که اسم تفضیل موردبحث از اسم تفضیلی‌هایی است که خود از فعل مورد مفاضله بر وزن «أفعل» ساخته شده و یا اسلوب تفضیلی ترکیبی است که با به‌کارگیری یکی از الفاظ اشد، اکثر، أقل و..... به همراه مصدر فعل موردنظر در قالب تمییز آورده شده؛ باید به ساختار نحوی متفاوت هر کاربرد توجه داشت؛ اینکه کلامی که در آن اسم تفضیل نکره و همراه با «مِن» تفضیلیه به‌کار گرفته شده باشد؛ یا به اسمی نکره یا معرفه اضافه شده و یا اسم تفضیل با «ال» آورده شود که در این صورت اغلب به‌عنوان صفت برای اسم قبل از خود آورده می‌شود و به‌نظر می‌رسد معنای تفضیلی خود را نداشته باشد که نگاه ساختارگرایانه به کاربرد اسم تفضیل در هریک از وجوه فوق، یکی از مهم‌ترین راه‌ها برای کشف معنای موردنظر صاحب‌سخن است. این پژوهش بر آن است ضمن بیان قواعد مربوط به اسم تفضیل و حالات مختلف آن به بررسی موردی برخی نامه‌ها پرداخته و با توجه به تحلیل ساختاری و معنایی اسم تفضیل، نمود آن در معنای حقیقی و مجازی را بیان کند. در کتاب‌های صرفی و نحوی قدیم و جدید بحث‌های گسترده‌ای در مورد مشتقات و انواع آن وجود دارد که در بحث اسم تفضیل درباره ساخت و کاربرد آن مشروحاً بحث شده است؛ از جمله: الکتاب سیبویه، شرح الکافیة رضی‌الدین استرآبادی، شرح ابن‌عقیل، النحو الوافی و ....

رضی در جلد سوم کتاب شرح کافیة خود بحث مفصلی را در مورد اسم تفضیل، ساختار، حالات و قواعد مربوط به آن آورده است که علاوه بر موارد فوق به مواردی که اسم تفضیل با توجه به ساختارش از معنای تفضیلی خود خارج شده است پرداخته است. سیوطی در کتاب المزهَر فی علوم اللّغة و انواعه (۱۹۹۸م) نیز به بحث مشتقات از جمله اسم تفضیل پرداخته است. سید احمد الهاشمی در کتاب القواعد الأساسية للغة العربية (۲۰۰۶م) در مورد اشتقاق لغوی

مطالبی را بیان کرده است که در آن به بحث اسم تفضیل و صیغ آن پرداخته است. همچنین از آثاری که به شکل خاص به موضوعات مختلف نهج البلاغه به ویژه کاربرد اسم‌های مشتق پرداخته‌اند، عبارت‌اند از: رساله‌ای تحت عنوان «أبنیة المشتقات فی نهج البلاغه دراسة دلالية» (۱۴۲۳ ه) میثاق علی عبد الزهره الصیمری، کلیة الآداب جامعة البصرة. در آن به مشتقات، تحدید المشتقات، اصل المشتقات و دلالات آن پرداخته است؛ اما به تحلیل و ساختار اسم تفضیل و معانی آن پرداخته است و فقط به تعریف اسم تفضیل و انواع و حالات آن اشاره کرده است.

محمدی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «میدان‌های معنی‌شناختی واژگان نهج البلاغه»، با تمرکز بر روی رفتار واژگانی کوشیده است تا نشان دهد که چنانچه این رفتارها از فقرات مختلف نهج البلاغه کشف شود، در استخراج معانی مختلف و مشخص کردن دایره‌های معانی واژه اخلاقی یا اعتقادی در هر متن رفتار جدیدی دارد که این رفتار برگرفته از عوامل درون و برون زبانی است. خرمی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «بنای مشتقات در شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید»، در شرح و توضیح بنای مشتقات بعضاً به نکات زیبا و دقیقی اشاره می‌کند که غالباً از چشم غیر صاحب‌نظران دور مانده است؛ مثلاً در بنای اسم فاعل‌های غیر قیاسی به علل تغییر بنای آن‌ها پرداخته که چرا فرضاً اسم فاعل از ماده «سَادَ و جَادَ» یک‌بار بر وزن فاعل «سائد و جائد» بنا می‌شود و یک‌بار بر وزن فعل «سید و جید»؟ یا چرا از ماده «ضَیَّقَ» که اسم فاعل قیاسی آن «ضَیِّقَ» است، در قرآن مجید «ضائق» به کار رفته؟ و مواردی از این قبیل. شارح به بنای غیرقیاسی صفات توجه بیشتری دارد و برای هر یک از آن‌ها نمونه‌هایی آورده است؛ هرچند برخی مترجمان نهج البلاغه با او هم‌عقیده نیستند. تاکنون اثری که به بررسی ساختاری و معنایی نامه‌های نهج البلاغه پرداخته شده باشد، انجام نشده است.

## نتیجه‌گیری

اسم تفضیل نقش بارزی در تنويع معانی در نهج البلاغه دارد که با تحلیل ساختار کاربرد این اسم از جمله اینکه: ۱- اسم تفضیل مضاف به اسم جنس؛ ۲- اسم تفضیل نکره و همراه با من؛ ۳- اسم تفضیل نکره و بدون من و تمییز؛ ۴- اسم تفضیل نکره و همراه با تمییز؛ ۵- اسم تفضیل معرف به ال؛ ۶- اسم تفضیل به شکل جمع، می‌توان پی به معنای آن برد؛ چراکه اسم تفضیل در بسیاری از موارد با توجه به بررسی‌های انجام شده با توجه به ساختار و حالات آن از معنای تفضیلی خود خارج شده و در معنای غیرحقیقی خود به کار رفته است که در نامه‌های نهج البلاغه که مورد بررسی این پژوهش بوده است اسم تفضیل در حالت‌های مختلف فوق به کار رفته است و توجه به این ساختار یکی از مهم‌ترین راه‌ها برای کشف معنای مورد نظر صاحب‌سخن است و دست‌یافتن به معنای جدید مستلزم به کارگیری این‌گونه نکات می‌باشد در خلال این بحث که با استخراج اسم تفضیل در مطالعه موردی چندین نامه به تحلیل ساختار اسم تفضیل در کاربرد معنای حقیقی و غیرحقیقی پرداخته شده است. بازشناسی نوع خط در نسخ خطی موجود از نهج البلاغه حاکی از این است که خط نسخ بر دیگر خطوط برتری داشته و بیشتر در نگارش نهج البلاغه استفاده شده است.

## فهرست منابع و مأخذ:

نهج البلاغه لصبحى إبراهيم الصالح.

ابن مالك، محمد بن عبدالله؛ اشموني، عبدالمحد. (١٤٢٥). تصحيح و تنظيم: هنداوى، عبدالحميد، حاشية الصبان على الشرح الأشموني على ألفية ابن مالك و معه شرح الشواهد للعيني، بيروت: المكتبة العصرية.

الأستراآبادى، رضى الدين محمد بن الحسن. (١٣٩٨)، شرح الرضى على الكافية. ج ٤، جامعة قارينوس.

الأنصارى، أبو محمد عبدالله جمال الدين بن هشام. (١٤٢٠). شرح قطراندى و بل الصدى. ط ١، دار ذوى القربى للطباعة و النشر.

ابن فارس، احمد بن فارس. (١٤٠٤). المقاييس فى اللغة. محقق هارون، عبدالسلام محمد، ج ٤، قم: مكتب الإعلام الإسلامى.

ابن منظور، محمد بن مكرم. (بى تا). لسان العرب. ج ١١، بيروت: دار صادر.

بدوى، أحمد. (١٩٥٠). بلاغة القرآن. مصر: دار النهضة.

لتفتازانى، سعد الدين مسعود بن عمر بن عبدالله. (١٣٨٧). شرح المختصر (مختصر المعانى). قم: دار الفكر.

الخصرى، محمد. (١٩٥٣). حاشية الخصرى على شرح ابن عقيل على ألفية ابن مالك. القاهرة: مطبعة الإستقامة.

الزمخشرى، أبو القاسم محمود بن عمر. (١٣٨٥). أساس البلاغه. بيروت: دار صادر.

السامرائى، فاضل صالح. (١٩٩٠). معانى النحو. بغداد: دار الحكمة.

سيبويه، أبوبشر عمرو بن عثمان بن قنبر. (١٤٠٢). تحقيق: عبدالسلام هارون. الكتاب، ج ٢، ط ٣، الرياض: دار الرفاعى.

عباس، حسن. (١٤٢٢). النحو الوافى. ج ٣، ط ٨، بيروت: دار المعارف.

الفراهيدى، خليل بن أحمد. (١٤٠٩). تحقيق الدكتور مهدى المخزومى، الدكتور إبراهيم السامرائى. العين. ج ٧، ط ١، بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات.

لمبرد، أبو العباس محمد بن يزيد. (١٩٦٣). المقتضب. تحقيق محمد عبد الخالق عزيمة، ج ٣، بيروت: عالم الكتب.

مكارم شيرازى، ناصر. (١٣٨٧). شرح نهج البلاغه. تهران: دار الكتب الإسلامىة.